مطالعات تاریخ اسلام
سال دوازدهم/ شمارهٔ ۴۶/ پاییز ۱۳۹۹

جایگاه منطقهٔ پسیخان در تحولات سیاسی و نظامی جنبش جنگل

بشیر سراجی[۱]
عباس پناهی[۲]
عبدالله همتی گلیان[۳]

چکیده: منطقه پسیخان به سبب موقعیت جغرافیایی ویژه که در مسیر ارتباطی رشت به فومنات قرار داشت، یکی از مهم‌ترین نقاط راهبردی جنبش جنگل بوده است. از آنجا که جنگلی‌ها در بیشتر حیات سیاسی و نظامی جنبش بر سرزمین فومنات تسلط داشتند، موقعیت جغرافیایی این منطقه نقش مهمی در موازنهٔ سیاسی رشت و فومن، به‌ویژه در هجوم‌های متقابلی که بین جنگلی‌ها، روس‌ها و قوای دولتی انجام می‌گرفت، ایفا می‌کرد. پسیخان به سبب آنکه در منطقه‌ای محصور شده از مرداب، رودخانه، جنگل، بیشه‌زارها و موانع طبیعی قرار گرفته بود، بدان اندازه مهم بود که تصاحب آن از سوی جناح‌های درگیر در جنگ، به تصرف سراسر فومنات و یا رشت منجر می‌شد. براساس گزارش‌های سیاسی در بیشتر نبردهایی که جنگلی‌ها با نیروهای انگلیسی، قوای دولتی، خوانین محلی و قزاق‌ها داشتند، پسیخان به عنوان نقطهٔ تلاقی و استراتژیک این نبردها به شمار می‌رفت. مسئلهٔ اصلی نوشتار حاضر بر این محور قرار دارد که پسیخان چه نقشی در تحولات سیاسی و نظامی جنبش جنگل داشته است؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد پسیخان به سبب موقعیتی که از نظر طبیعی داشته، یگانه گذرگاه طبیعی بین رشت و فومن بوده است. در نتیجه، دسترسی و تسلط بر پسیخان بین دو سوی نیروهای درگیر در جنبش، به تسلط تاکتیکی بر حریف مقابل منجر می‌شد. بر همین اساس، یکی از اهداف استراتژیکی کوچک‌خان حفظ پسیخان بوده است. پژوهش حاضر با رویکرد تحلیلی و کتابخانه‌ای همراه با بررسی‌های پیمایشی- میدانی به نگارش درآمده است. نگارندگان تلاش کرده‌اند تا جایگاه جغرافیای پسیخان را در فراز و فرودهای جنبش جنگل مورد بررسی و تحلیل قرار دهند.

واژه‌های کلیدی: پسیخان، جنبش جنگل، جغرافیا، رشت، فومن.

---

۱ دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی، دانشگاه فردوسی مشهد (نویسنده مسئول)
Bashir.Seraji@yahoo.com
۲ دانشیار گروه تاریخ دانشگاه گیلان، پژوهشکده گیلان‌شناسی apanahi@guilan.ac.ir
۳ دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد hemati@um.ac.ir
تاریخ دریافت: ۹۸/۱۲/۰۸ تاریخ تأیید: ۹۹/۰۵/۰۱

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.4.6]

Place of Pasikhan Region in Political and Military Developments of the Jungle Movement

Bashir Seraji[1]
Abbas Panahi[2]
Abdollah Hemmati Golian[3]

Abstract: Pasikhan region was considered to be one of the most important strategic points for Jungle Movement due to its special geographical location on the route from Rasht to Fumanat. Since the members of this movement dominated most of the political life of the movement over the land of Fumanat, the geographical location of Pasikhan played an important role in political balance of Rasht and Fuman, especially in the reciprocal attacks between the members of this movement, the Russians, the British and government forces. Pasikhan was so important because it was located in areas surrounded by swamps, rivers, forests, and natural obstacles; that is why its occupation by warring factions led to the capture of all of Fumanat or Rasht. The main question of the paper is: What was the place of Pasikhan in political and military developments of the Jungle Movement? The authors try to study and analyze the geographical position of Pasikhan in the ups and downs of the Jungle Movement.

Keywords: Pasikhan, Jungle Movement, geography, Rasht, Fuman.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-09]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.4.6]

1 PhD Student in History and Civilization of Islamic Nations, Ferdowsi University of Mashhad (Corresponding Author), Bashir.Seraji@yahoo.com
2 Associate Professor, Department of History, University of Guilan, Institute of Guilan Studies, apanahi@guilan.ac.ir
3 Associate Professor, Department of History and Civilization of Islamic Nations, Ferdowsi University of Mashhad hemati@um.ac.ir

مقدمه

جنبش جنگل یکی از رویدادهای تأثیرگذار تاریخ معاصر ایران به شمار می‌رود. این جنبش حدود سال ۱۲۹۳ش/ ۱۳۳۳ق/ ۱۹۱۵م. با نام «هیئت اتحاد اسلام» شروع به فعالیت کرد. در اردیبهشت ۱۲۹۸ش. با ورود ارتش سرخ به ایران، اعلام جمهوری کرد که دیری نپایید کودتایی توسط جناح چپ نهضت علیه میرزا کوچک صورت گرفت و نهضت مزبور حدود یک سال بعد از این جریان، سرانجام در آذر ۱۳۰۰ش. با شهادت میرزا به حیات خود پایان داد (سراجی، ۱۳۹۳: ۴۲۲-۴۲۳).

منطقه پَسیخان همواره شاهد نزاع‌هایی میان حاکمان گیلان و جنبش‌های گوناگون بود که نمونهٔ بارز آن در دورهٔ جنبش جنگل بوده است. در این زمان بخش غربی رودخانهٔ پسیخان و عمارت آن، یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های جنگلی‌ها به‌شمار می‌رفت. این بخش که به طرف فومن امتداد داشت، مرتفع‌تر و آن سوی رودخانه به طرف رشت، در موضعی پست‌تر واقع بود. به سبب ارتفاع مذکور، در ساحل چپ رودخانه، دیدبان‌ها با دقتِ کامل بر رفت‌وآمد مخالفان از رشت تا پسیخان اشراف داشتند و عرابه‌های توپ را در آنجا قرار داده بودند تا در مواقع لزوم و بروز خطر بتوانند تا حوالی رشت را مورد هدف قرار دهند که این قابلیت موجب قوت‌بخشی مبارزان می‌شد.

پسیخان در طول فعالیت جنبش جنگل، سنگر و خاک‌ریز مجاهدان محسوب می‌شد و در آنجا ملاقات‌ها و قراردادهایی با سران و نمایندگان قوای روس و انگلیس، بُلشویک‌ها و نمایندگان دولت انجام می‌گرفت. این منطقه از آن جهت که در میانه مسیر رشت (مرکز ایالت گیلان) و فومنات (مرکز تشکیلات جنگل) قرار داشت، برای ارتباط با سران نهضت و تجمع و اسکان آنان، نسبت به دیگر نقاط، از موقعیت مناسب‌تری برخوردار بود. در دوره‌ای از نهضت، بخشی از شرق پسیخان به دست انگلیسی‌ها افتاد که بخش تصرف نشدهٔ آن به همراه غرب منطقه، خاک‌ریز اول و سنگر آخر جنگلی‌ها به شمار می‌آمد. بعد از کودتای بلشویکی، شرق منطقه در دست بلشویک‌ها و غرب آن در تصرف جنگلی‌ها قرار گرفت. در این زمان نیز پسیخان غربی، آخرین سنگر مجاهدان برای جلوگیری از ورود بلشویک‌ها به فومنات بود. شاید موارد مذکور، در کنار حضور مستمر جنگلی‌ها در پسیخان و رابطه گسترده میرزا و جنگلی‌ها با این منطقه سبب شده

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-09]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.4.6]

بود که پیتر آوْری[1] پسیخان را بـه اشـتباه زادگـاه میـرزا کوچـک[2] و یقیکیـان[3] عمـارت پسیخان را منزل او بیان کند. با وجود اهمیت پسیخان در تحولات سیاسی و نظامی جنـبش جنگل، متأسفانه جایگاه جغرافیایی آن چنـدان مـورد توجـه راویـان جنـبش و همچنـین پژوهشگران این حوزه قرار نگرفته است. بر همین اساس، نگارندگان این پـژوهش تـلاش کرده‌اند با استفاده از یادداشت‌های پراکنده‌ای که در این زمینـه موجـود اسـت و همچنـین اشاره‌های مختصر اسناد آرشیوی و مطالعات میدانی، نقش استراتژیکی پسیخان در تحولات سیاسی و نظامی جنبش جنگل را مورد بررسی قرار دهند.

پیشینه پژوهش

با وجود پژوهش‌های متنوعی که درباره فراز و فرودها و جریان‌های سیاسی جنبش جنگل انجام شده، پیرامون جغرافیای سیاسی جنبش پژوهش‌هـای جـدی صـورت نگرفتـه اسـت (پناهی، ۱۳۹۵). یکی از این منـاطق مهـم در جغرافیـای جنـبش جنگـل، پسـیخان اسـت. بازماندگان جنبش نیز در خاطراتشان با وجود اهمیت جغرافیایی که پسـیخان در جنـبش داشته، به این موضوع نپرداخته‌اند. در خاطرات احمد کسمایی (۱۳۸۲) نیز گزارش چندانی درباره نقش کسما و مناطق پیرامونی آن نظیر پسیخان مطالبی قابل تأمل ارائه نشـده اسـت. در کتاب *نهضت جنگل (اسناد محرمانه و گزارش‌ها) نوشتهٔ* فتح‌الله کشـاورز (۱۳۹۱) سـه سند مرتبط با پسیخانِ دورهٔ جنبش جنگل از آرشیوهای نظمیهٔ رشـت، اداره روس وزارت امور خارجه و وزارتِ داخله گرد آمده است. در بین آثار پژوهشـی منتشـر شـده، مـیلاد زخم پژوهش خسرو شاکری (۱۳۸۶) جامع‌ترین کتاب در حوزه جنبش جنگـل اسـت. بـا این حال، بدان سبب که شاکری دیدگاهی جغرافیایی به جنـبش نداشـته، پسـیخان و نقـش جغرافیایی آن چندان جلوه‌ای در کتاب حاضر ندارد. بیشتر تکیهٔ شاکری در کتاب یاد شده

1 Peter Avery

۲ یونس جنگلی معروف به میرزا کوچک در محله استادسرای رشت متولد شد.

۳ Garigur Yaqikian، گریگور یقیکیان از ارمنیان مقیم رشت بود. کتاب *شوروی و جنبش جنگل* او از منـابع ارمنیـان در نهضت جنگل است. یقیکیان در روز ورود نیروهای ارتـش سـرخ بـه رشـت، سـمت مترجمـی میـرزا کوچـک‌خـان را در گفت‌وگو با اورژیکینیدزه، راسکولنیکف و رهبران نیروهای نظامی شوروی داشت. او در پسیخان با کوچک‌خان دیدار کـرد و دربـاره مسـائل سیاسـی بـه گفـت‌وگـو نشسـت. وی در سـال ۱۹۵۱م/ ۱۳۲۹ش. درگذشـت (یقیکیـان، ۱۳۶۳: ۱۲؛ سرتیپ‌پور، ۱۳۷۰: ۶۱۹).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-09]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.4.6]

تحلیل درباره مواضع جنگلی‌ها به‌ویژه نقش کشورها و کارکرد بلشویک‌ها در این جنبش در اواخر عمر جنبش است. در آخرین شاخص مورد بررسی شاکری نیز که به واقعهٔ ملاسرا اختصاص یافته، وی اهمیتی به نقش جغرافیایی این منطقه که بین رشت و فومن و در نزدیکی پسیخان واقع بوده، نداده است، بلکه برآیند این حادثه و تأثیر آن بر فروغ جنبش را مورد بررسی و تحلیل قرار داده است. در بین آثار توصیفی و مآخذ دست اول جنبش، فخرایی (۱۳۵۴) در لابه‌لای گزارش‌های تاریخی خود نکات زیادی درباره نقش جغرافیایی پسیخان در جنبش و اهمیت آن ارائه داده است. یقیکیان (۱۳۶۳) نیز در یادداشت‌های خود با توجه به اینکه با دقت به حوادث پایانی جنبش پرداخته، به برخی از تحولات تاریخی که پسیخان به عنوان پلی تاریخی بازیگر جغرافیایی آن بوده، اشاره‌های متعدد کرده است. از آنجا که این منطقه برای نهضت جنگل دارای اهمیت راهبردی بوده، در پژوهش حاضر تلاش شده است تا ضمن بررسی جغرافیای پسیخان، به اهمیت آن در تحولات سیاسی جنبش پرداخته شود. بر همین اساس، با توجه به اینکه یکی از شاخص‌های مهم در کامیابی‌ها و ناکامی‌های جنبش، جغرافیای مناطق گوناگون گیلان بوده، بررسی حاضر می‌تواند به اهمیت مناطق روستایی و نقش آن در فراز و فرودهای جنبش بپردازد. شیوه گردآوری مطالب، کتابخانه‌ای، آرشیوی و میدانی بوده است.

موقعیت جغرافیایی پسیخان

پسیخان منطقه‌ای در گیلان که از شمال به شهرستان صومعه‌سرا و رشت، از جنوب به شهرستان شفت و رشت، از شرق به شهر رشت و از غرب به شهرستان شفت (فومنات سابق) متصل می‌شود. نام منطقه نشانگر سه مصداق به صورت‌های: ۱. منطقه بزرگ و تاریخی پسیخان (۲۲روستا)؛ ۲. ناحیه پسیخان؛[۱] ۳. روستایی بدین نام است. منطقه مزبور از توابع بیه‌پس و فومنات است و در ادوار گوناگون شامل ۲۲ روستا می‌شد[۲] که در امتداد

۱ در دوره قاجار به پسیخان شرقی و دهستان امروزی «ناحیه پسیخان» می‌گفتند (رابینو، ۱۳۵۷: ۲۷۱).

۲ صفه‌سر، سلیمانداراب، نخودچر، طرازکوه، احمدگوراب، آتشگاه، پس ویشه، بیجارکنار، خشت مسجد، کسار، دافسار، سه آبادی به نام تازه‌آباد، کلش طالشان، گالش‌محله، راسته کنار، کاسان، ماشاتوک، جیرده و نوده از روستاهای منطقه پسیخان در ادوار گوناگون بوده‌اند. امروزه از میان روستاهای منتسب به این منطقه، یازده روستا در دهستانی به همین نام از توابع بخش مرکزی شهرستان رشت و شش روستا با پسوند منطقه در دهستان ملاسرا از توابع بخش مرکزی شهرستان شفت قرار دارند که در امتداد جاده فومنات، از آتشگاه شروع و به جیرده پسیخان ختم می‌شوند.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-09]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.4.6]

جاده رشت– فومن، از صفه‌سر، سلیمانداراب و نخودچر شروع می‌شود و به جیرده پسیخان و قسمتی از ملاسرا ختم می‌گردد. به مرور زمان و طبق تقسیمات کشوری، روستاهای آن بین دو دهستان از دو شهرستان مختلف و در دو طرف رودخانه پراکنده شدند. رودخانه پسیخان به عنوان دومین رودخانهٔ بزرگ گیلان، بخش بیه‌پس گیلان را به «پس» و «پیش» پسیخان (پسیخان شرقی و غربی) تقسیم کرده است (کاشانی، ۱۳۴۸: ۵۷؛ مرعشی، ۱۳۶۴: ۵۰۶؛ خودزکو، ۱۳۵۴: ۱۱، ۱۲؛ رابینو، ۱۳۵۷: ۴، ۱۰۸–۱۰۹، ۱۵۴؛ مهدوی لاهیجانی، [بی‌تا]: ۲۲۵؛ موسوی، [بی‌تا]: ۵۴؛ عظیمی، ۱۳۹۵: ۳۱۹؛ فاخته، ۱۳۸۳: ۱۴۱؛ سالنامه آماری کشور ۱۳۷۵، ۱۳۷۶: ۱۰؛ طرح هادی روستای خشت مسجد، ۱۳۷۵: ۸، ۹، ۱۷۵؛ عبداللهی، ۱۳۹۴: ۷۱–۷۲؛ پندی، ۱۳۹۴: ۲۴۹؛ همو،۱۳۸۷: ۳۸–۳۹).

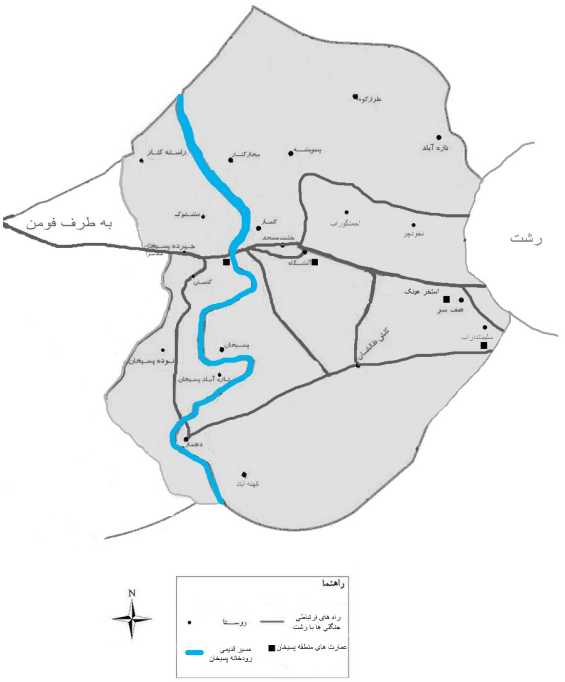

نقشه شماره ۱: جغرافیای پسیخان در دوره نهضت جنگل، راه‌های ارتباطی به رشت و عمارت‌های آن (نگارندگان)

آبادی‌هایی چون صفه‌سر، احمدگوراب، سلیمانداراب، نخودچر و تازه‌آباد سیاه اسطلخ به شهر رشت انتقال یافتند و دیگر نام و نشانی از پسیخان بر روی آنها نیست.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.4.6]

در منطقه پسیخان، روستای کاسان به دلیل برخورداری از عمارت پسیخان،[۱] آتشگاه به سبب وجود عمارت حاجی‌داوود و بارگاه امامزاده هارون، روستاهای پس‌ویشه، کلش طالشان، نوده و دافسار به سبب راه‌های مخفیانه و گریزگاه‌های فراوان از میان جنگل و بیشه‌زار، سلیمانداراب به دلیل وجود باغ و عمارت مدیریه و انبار مهمات، احمدگوراب و صَفه‌سر به سبب وجود استخرعینک و عمارت صَفه‌سر و سرتاسر این منطقه به دلیل در اختیار داشتن رودخانه پسیخان و مهم‌ترین مسیر جاده‌ای رشت و فومنات، اهمیت استراتژیک داشت.

نقش جغرافیایی پسیخان در تحولات سیاسی و نظامی جنبش جنگل

نخستین هستهٔ مبارزاتی جنبش جنگل، در فاصله اردیبهشت تا مرداد ۱۲۹۴/ ۱۹۱۵م. میان جنگل‌های فومن و تولم بنا نهاده شد. در نتیجه، نیروهای دولتی برای دستیابی به جنگلی‌ها باید از مسیر پسیخان می‌گذشتند (جنگلی، ۱۳۵۷: ۶۲؛ عظیمی، ۱۳۸۸: ۱۴؛ مهرداد، ۱۳۸۲: ۷؛ میرابوالقاسمی، ۱۳۷۷: ۴۴). گزارش‌های تاریخی نشان می‌دهد که پسیخان پس از جنگل‌های فومن و کسما یکی از پایگاه‌های اصلی جنگلی‌ها در طول جنبش بوده است. براساس گزارش‌های سفارت انگلستان، نیروهای جنبش به دو بخش جغرافیایی تقسیم می‌شدند که یک بخش آن در پسیخان استقرار داشت و فرماندهی بخش مزبور برای مدتی در آتشگاه و در شرق منطقه بود که در اواسط و اواخر نهضت به بخش باختری جنبش منتقل شد (میرزا صالح، ۱۳۶۹: ۲۵).

گزارش‌های راویان جنگل نشان می‌دهد که جنگلی‌ها به منظور اطلاع از وضعیت مخالفان خود، از مردم پسیخان برای خبرگیری استفاده می‌کردند. آنها پس از احساس هرگونه خطر، با روش‌های گوناگون به مجاهدان جنگل خبررسانی می‌کردند. این چنین بود که روزانه گزارش‌هایی از جزئیات کارهای نیروهای بیگانه، قزاق‌ها و دیگر مخالفان توسط زارعان منطقه به جنگلی‌ها داده می‌شد (لطیفی، تاریخ مصاحبه: ۱۳۹۶/۱/۱۹). به

۱ عمارت پسیخان (کاسان)، در فاصله صد متری شمال غربی پل پسیخان قرار داشت. در زمان نهضت جنگل، مالکِ این عمارت امجدالسلطنه محمودی پسر بزرگ مدیرالملک ارباب کاسان بالا و سلیمانداراب بود. وی بعد از پدرش و بعد از او پسرش محمود ارباب شدند. در حال حاضر، مالک زمین‌هایی که عمارت در آن قرار داشت، غلامحسین لطیفی است و از عمارت جز تعدادی آجر باقی نمانده است (لطیفی، تاریخ مصاحبه: ۱/۱۹/ ۱۳۹۶).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-09]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.4.6]

گزارش گیلک، روس‌ها سیصد قزاق روسی و پنجاه قزاق ایرانی را با تجهیزات کامل به سمت فومن اعزام کردند. هنوز از پسیخان رد نشده بودند که خبر آنان به جنگلی‌ها رسید (گیلک، ۱۳۷۱: ۳۰). رائین نیز در این باره نوشته است: «روس‌ها در پسیخان آماده‌باش بودند که به جنگلی‌ها حمله کنند، اما پس از آگاهی جنگلی‌ها توسط دهقانان و اقدامات اطلاعاتی به شدت غافلگیر شدند» (جنگلی، ۱۳۵۷: ۲۸). در تأیید این مطلب می‌توان به روایت صبوری دیلمی استناد کرد که ادعا کرده بود جنگلیان آشکارا تا پسیخان رفت‌وآمد داشتند و تمام رعیت‌های آن حدود با آنان کاملاً همراهی می‌کردند که این همراهی شامل خبررسانی نیز می‌شد (صبوری دیلمی، ۱۳۵۸: ۳۶).

برخی منابع گواه این موضوع‌اند که با آنکه تعداد جنگلی‌ها در اوایل جنبش اندک بود، اما همهٔ نقاط فومنات و اطراف رشت را زیر نفوذ خود داشتند و دهقانان و رعایا پس از آگاهی از ایجاد خطر برای جنگلی‌ها، حتی زودتر از تلفن و تلگراف، جنگلی‌ها را متوجه اوضاع می‌ساختند (فخرایی، ۱۳۵۴: ۶۵-۶۶؛ کریمیان، ۱۳۷۲: ۶۸). با توجه به تعداد کم جنگلی‌ها و استناد به شواهد موجود، از اهالی پسیخان در این امور کمک گرفته می‌شد.

یکی از راه‌های مهم ارتباطی مردم با جنگلی‌ها که سبب تسریع در خبررسانی می‌شد، برخورداری از امکانات مخابراتی در عمارت پسیخان بود که به جز این نقطه، تا فومن چنین امکانی وجود نداشت. در این زمینه کوچک‌پور نوشته است: «میرزا به واسطه تلفن، به جنگلی‌ها در پسیخان اطلاع داد. تلفن در عمارت نصب بود» (کوچک‌پور، ۱۳۶۹: ۴۳-۴۲). کوچک‌خان نیز بعد از درگیری کوچک‌پور با بلشویک‌ها در نامه‌ای نوشته است: «با تلفن به آنها فرمان عقب‌نشینی دادم» (گیلک، ۱۳۷۱: ۳۲۷؛ یقیکیان، ۱۳۶۳: ۱۷۵).

پسیخان همزمان با جنبش، علاوه بر برخورداری از امکانات مخابراتی، به دلیل موقعیت جغرافیایی ویژه مانند قرار داشتن در مرکز ثقل فومنات و رشت و وجود راه‌های مناسب جاده‌ای، به‌گونه‌ای بود که اگر اتفاقی در آنجا رخ می‌داد به راحتی و در کمترین زمان به مناطق اطراف آن نشر پیدا می‌کرد و شرق و غرب گیلان را تا حدودی پوشش می‌داد؛ به همین دلیل مخالفان نهضت جنگل تصمیم گرفتند از این موقعیت سوءاستفاده کنند و با رواج دزدی و ناامنی در لباس جنگلی‌ها در این منطقه، به نهضت خدشه وارد

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-09]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.4.6]

نمایند. این چنین بود که گروهی به نام «مَنگَلی»[۱] در این ناحیه سر برآوردند. غلامحسین نامی از مجاهدان مشروطیت با دسیسه و کمک حکومت و صاحب‌نفوذان محلی، در مرداد ۱۲۹۴ش/ ۱۹۱۵م. به همراه چند نفر دزد و اوباش خود را مَنگَلی نامید و در پسیخان بنای دزدی گذاشت که این خبر به جنگلی‌ها را رسید. از آنجا که عملیات این دسته ممکن بود به آبروی جنگل لطمه وارد کند، مصمم شدند منگلی‌ها را از بین ببرند. براساس این تصمیم، میرزا ده نفر از مجاهدان مسلح را انتخاب کرد که شبانه به پسیخان رفتند و آنها را بدون آنکه تیری خالی کنند، دستگیر کردند (گیلک، ۱۳۷۱: ۲۰).

براساس برنامه‌ای از پیش طراحی شده، افسینکوف (اوسینکو)[۲] کنسول روس، مفاخرالدوله حکمران گیلان را وادار کرد تا هرچه زودتر جنگلی‌ها را دستگیر و اعدام کند. حکمران پس از یک هفته، فردی به نام غلامحسین را مأمور سرکوب جنگلی‌ها کرد. وی شش نفر سوار مسلح را به نام مَنگَلی به پسیخان برد. میرزا کوچک که توسط کمیتهٔ اصلی دهقانان، بین راه از مسیر حرکت و تعداد منگلی‌ها آگاه شده بود، در پسیخان آنها را دستگیر و شش تفنگی را که همراه داشتند، ضبط کرد (جنگلی، ۱۳۵۷: مقدمه رائین، ۲۱). از یادداشت‌های اوسینکو می‌توان دریافت که وی برای یاغی خواندن و بدنام کردن جنگلی‌ها دستور انجام این کار را داده بود (اوسینکو، ۱۳۹۵: ۱۸۰–۱۸۲).

انگلیسی‌ها نیز پس از پی بردن به اهمیت استراتژیکی پسیخان، از این منطقه همانند ابزاری برای فشار به جنگلی‌ها استفاده کردند. در نتیجه، آنها هنگامی که قصد داشتند جنگلی‌ها را به صلح یا متارکهٔ جنگ وادار کنند، به این نقطه هجوم می‌بردند؛ به همین دلیل روزانه دو هواپیمای انگلیسی از قزوین، پسیخان را بمباران می‌کرد (فخرایی، ۱۳۵۴: ۱۴۰، ۱۵۳). آنها چندین بار در منطقهٔ مزبور بمباران هوایی انجام دادند. برای نمونه، در صبح چهارشنبه ۲۲ شوال ۱۳۳۶ ق(۱۲۹۷ش) در احمدگوراب پسیخان و مرکز پسیخان و صبح یکشنبه نیز در این دو مکان مشغول بمباران شدند و هر دفعه ده تا دوازده بمب پرتاب کردند که در منطقه پسیخان جز کشته شدن چند قاطر خسارتی وارد نشد (گیلک، ۱۳۷۱: ۱۸۶).

---

۱ مَنگَلی بر وزن جنگلی لفظی مهمل و بی‌معنی است که از طرف مخالفان برای کوچک شمردن جنگلی‌ها به کار می‌رفت (مهرداد، ۱۳۸۲: ۱۴).

2 Avsinokov

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-09]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.4.6]

منطقهٔ پسیخان به دلیل وسعت جغرافیایی، وجود کمینگاه‌ها و گریزگاه‌های طبیعی (کشتزارها، باغ‌ها، مرداب‌ها، جنگل و رودخانه)، یکی از مناسب‌ترین مکان‌ها برای مخفی شدن و استقرار مجاهدان جنگل بود که مخالفان نهضت نیز از این قضیه آگاهی داشتند. این چنین بود که حاکم وقت گیلان[1] به دستور اوسینکو (کنسول روس)، به کاپیتان محمودخان (متین) رئیس شهربانی، مأموریت داد همراه با پنجاه پلیس سوار و پنجاه قزاق به منظور بازرسی و یافتن محل اجتماع جنگلی‌ها، از رشت به طرف پسیخان برود و مشاهدات خود را بی‌درنگ گزارش دهد. کنسول روس، باغدانف را به عنوان ناظر، همراه این عده گسیل داشت و آنان بازرسی را از پل چمارسرا شروع کردند و منطقه پسیخان را به ترتیب از صفه‌سر، احمدگوراب، آتشگاه و حوالی پل پسیخان تا جمعه‌بازار پیمودند. با همهٔ بازرسی‌های دقیق، اطلاعی از اجتماع جنگلی‌ها به دست نیاوردند (فخرایی، ۱۳۵۴: ۶۴؛ جنگلی، ۱۳۵۷: ۶۳؛ میرابوالقاسمی، ۱۳۷۷: ۵۶؛ گیلک، ۱۳۷۱: ۲۱؛ کریمیان، ۱۳۷۲: ۵۹). مأموران اعزامی پس از یأس از یافتن کانون اجتماع جنگلی‌ها، یک عده پلیس سوار را همراه مأموران تأمینات در پسیخان به مراقبت ایاب و ذهاب عابران گماشتند تا هر کس را که مظنون تشخیص دادند بازداشت کنند، اما در نهایت بدون هیچ نتیجه‌ای به رشت بازگشتند (فخرایی، ۱۳۵۴: ۶۵؛ جنگلی، ۱۳۷۱: ۶۳).

پسیخان به دلیل آنکه در سرحد رشت و فومنات واقع بود و بازار بزرگ و عمارت‌های مجلل داشت، به عنوان پناهگاه و استراحتگاه مسافران، مبارزان و همهٔ رهگذران در نظر گرفته می‌شد. شاهد مدعا، قسمتی از خاطرات احسان‌الله دوستدار است که نوشته است: «به همراه کوچک‌خان عازم منطقهٔ پسیخان گشتیم و مدتی طولانی در آنجا توقف کردیم. نیروهای ما تا اوایل جولای تا حدودی جان تازه‌ای گرفتند و به تصور ما قادر به انجام عملیات فعالانه شدند» (دوستدار، ۱۳۸۶: ۴۰). در زمان حمله هوایی انگلیسی‌ها به جنگلی‌ها، پسیخان به دلیل موقعیت جنگلی، موضع مناسبی برای اختفا بود (همان، ۴۲).

زمانی که شرق منطقه در دست مخالفان نهضت، از جمله انگلیسی‌ها و بلشویک‌ها بود، جنگلی‌ها برای رفتن به رشت گاهی از مسیر نوده‌پسیخان- دافسار به طرف

۱ در ظاهر حکمران گیلان در این زمان حشمت‌الدوله بوده است.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-09]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.4.6]

سلیمانداراب و از آنجا به رشت می‌رفتند. در یکی از این روزها سلیم سلیمی[۱] در دافسارِ پسیخان، میزبان شصت نفر از جنگلی‌ها بود و بعد از صرف ناهار و استراحت، راهیِ سلیمانداراب شدند (رهنما، تاریخ مصاحبه: ۱۳۹۶/۴/۱۶). روستای نوده پسیخان نیز از آنجا که استراحتگاه بین راهی مناسبی برای جنگلی‌ها بود و راه فرعی و مخفی پسیخان به رشت محسوب می‌شد، پذیرای مجاهدان برای استراحت موقت بوده است (بیجاری، تاریخ مصاحبه: ۱۳۹۶/۵/۱).

پس از وقوع درگیری درون‌گروهی بین جنگلی‌ها، آنها توافق کردند که پسیخان به دلیل اینکه منطقه‌ای آباد و مسکونی است، از میدان جنگ مصون باشد و جنگ را به جنگل‌های کسماء، گوراب‌زرمیخ، خلخال و ماسوله بکشانند (تمیمی طالقانی، ۱۳۸۹: ۵۳-۵۴)، اما بعد از کودتای بلشویکی، این قاعده توسط کودتاگران رعایت نشد. از جمله شواهد و گزارش‌های نقض این قاعده، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. ابلاغیه کوچک‌خان در عصر ۱۱ مرداد ۱۲۹۹ (۱۷ ذی‌قعده ۱۳۳۸/ سوم اوت ۱۹۲۰) که شکایت او از افراد کودتاگر درباره جنگ در پسیخان و نقض عهد را نشان می‌دهد. در قسمتی از این ابلاغیه آمده است: «در پسیخان بدون اطلاع من جنگ درگرفت و چند نفر را کشتند» (گیلک، ۱۳۷۱: ۳۲۷؛ یقیکیان، ۱۳۶۳: ۱۷۵).

۲. جواب کوچک‌خان به نامه مدیوانی[۲] در تاریخ ۲۴ مرداد ۱۲۹۹ (۳۰ ذی‌قعده ۱۳۳۸) اشاره‌ای به جبهه نبودن پسیخان و جنگ در آنجا می‌کند که گزیده آن چنین است: «من دیدم در رشت بمانم باید با آنها جنگ کنم، ولی معایب جنگ داخلی را می‌دانستم. از این جهت از شهر خارج شدم. رفقای شما به این اندازه قانع نشده متعاقب ما به پسیخان آمده و به عده‌ای از مجاهدان بی‌خبر از همه جا حمله کردند. در ابلاغیه خود

۱ سلیم فرزند قلی (جد سلیمی‌ها و زمانی‌ها) کدخدای دافسار و نمایندهٔ نواب الملک طهماسب در دوره قاجار بود.

۲ Boo de pg medivani، بو دو پ.گ مدیوانی (۱۸۸۷-۱۹۳۷) از سال ۱۹۰۳م. عضو حزب کمونیست بود. اصلیت او گرجی و بیش از همه در قفقاز فعال بود. قبل از انقلاب جنگل چند سال در رشت و انزلی نماینده تجارت‌خانه خوشتاریا بود. پس از انعقاد قرارداد دوستی ایران و شوروی، مدیوانی نماینده تجاری شوروی در ایران شد و با بازرگانان تهران و شهرستان‌ها روابطی داشت و به‌ویژه بازرگانان گیلان از وی راضی بودند. وی در ایام انقلاب گیلان در ۹ مرداد ۱۲۹۹ وارد ایران شد و بیش از شش ماه امور سیاسی ارتش سرخ و دولت انقلابی ایران را اداره کرد. در سال ۱۹۲۱م. رئیس حکومت انقلابی در گرجستان شد و دارای مقام‌های بالای دولتی در آنجا شد (یقیکیان، ۱۳۶۳: ۱۷۰، ۴۸۱؛ رواسانی، ۱۳۸۴: ۲۱۹).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-09]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.4.6]

صومعه‌سرا، انزلی و پسیخان را فرونت[۱] اسم گذاشتند. از شما می‌پرسم پسیخان و صومعه‌سرا و انزلی فرونت بود؟» (گیلک، ۱۳۷۱: ۳۴۵-۳۵۳؛ عربانی، ۱۳۷۴: ۲۱۵/۲ ؛ فخرایی، ۱۳۵۴: ۲۹۵؛ یقیکیان، ۱۳۶۳: ۲۱۸).

از نظر استراتژی نظامی جنگلی‌ها، پسیخان پایگاهی موقت برای عملیات غافلگیرانهٔ آنها در برابر دشمنانشان بود. براساس گزارش‌های تاریخی، این غافلگیری‌های نظامی نقش مؤثری بر آیندهٔ تحولات سیاسی جنبش جنگل داشت.

مشهورترین عملیات تاریخی که جنگلی‌ها در آغاز نبرد خود در برابر قوای دولتی انجام دادند، غافلگیری عبدالرزاق شفتی در دافسار پسیخان[۲] بود. پس از مطرح شدن عملیات جنگلی‌ها، کنسول روس و حکمران گیلان، عبدالرزاق خان شفتی از خان‌های محلی تالش را مأمور سرکوب جنگلی‌ها کردند، اما این عملیات نظامی که با نیرویی بزرگ پشتیبانی می‌شد، به ناکامی وی انجامید (گیلک، ۱۳۷۱: ۲۲؛ کریمیان، ۱۳۷۲: ۶۸؛ جنگلی، ۱۳۵۷: ۶۳، ۶۵). مدنی معتقد است یکی از دلایل ناکامی عبدالرزاق شفتی عدم آشنایی وی با منطقهٔ پسیخان بوده است (مدنی، ۱۳۷۷: ۴۵).

نقش جغرافیایی پسیخان به عنوان مخفیگاه موافقان و مخالفان جنگل

از کارکردهای مهم و مؤثر پسیخان هنگام استقرار انگلیسی‌ها در رشت برای جنگلی‌هایی که در فومنات موضع گرفته بودند، ایفای نقش خاک‌ریز در برابر نیروهای انگلیسی بود (فخرایی، ۱۳۵۴: ۳۰۳). کوچک‌پور پایگاه‌هایی از استخر عینک تا مرکز منطقه در بین راه تعیین کرد که در احمدگوراب، نخودچر، آتشگاه، خشت مسجد و بقیه در حوالی عمارت پسیخان مستقر بودند (کوچک‌پور، ۱۳۶۹: ۳۹-۴۱). *روزنامه ایران* پسیخان را آخرین پایگاه مجاهدان عنوان کرده است (*روزنامه ایران*، ۱۳۳۵ق: ش۸۲، ص۲). منظور از آخرین پایگاه، غرب منطقه و قسمتی از شرق رودخانهٔ پسیخان است. در بیشتر درگیری‌ها و نبردها خواه‌ناخواه تجمع و عقب‌نشینی‌ها به پسیخان منتهی می‌شد؛ با این تفاوت که در زمان

---

۱ فرونت (Front): به فرانسوی و انگلیسی جبهه، جبهه جنگ (تمیمی طالقانی، ۱۳۸۹: ۳۲۰، پاورقی؛ کوچک‌پور، ۱۳۶۹: ۱۶۰، پاورقی).

۲ این درگیری در صبح جمعه ۲۲ ذی‌قعده ۱۳۳۳/ ۸ مهر۱۲۹۴/ ۱ اکتبر ۱۹۱۵ درگرفت. جغرافیای این نزاع توسط فخرایی و درویش، دافسار دانسته شده است (فخرایی، ۱۳۵۴: ۶۵-۶۶؛ درویش، ۱۳۸۷: ۸۸-۸۹؛ کریمیان، ۱۳۷۲: ۶۸).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-09]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.4.6]

درگیری‌های فومن، مخالفان جنگل به شرق رودخانهٔ پسیخان عقب می‌نشستند و در زمانی که نزاع‌ها در رشت انجام می‌شد، جنگلی‌ها به غرب رودخانه عقب‌نشینی می‌کردند. اینکه عقب‌نشینی‌ها بر چه اساس و تاکتیکی بوده، اطلاعاتی در دست نیست، اما وجود رودخانه به عنوان مانع طبیعی بی‌تأثیر نبوده است. به‌طور کلی می‌توان گفت علاوه بر جنگلی‌ها، گاه مخالفان آنان نیز پسیخان را برای عقب‌نشینی برمی‌گزیدند.

الف. عقب‌نشینی مخالفان

۱. عقب‌نشینی نظامیان مفاخرالملک:[۱] نیروی اعزامی این عده، در چهارم بهمن ۱۲۹۴ش/ ۱۳۳۴ق. بعد از شکست در جنگ کسماء به شرق پسیخان عقب نشست و تا دو ماه در آنجا و حوالی آن بلاتکلیف مانده بود (تمیمی طالقانی، ۱۳۸۹: ۵۶).

۲. عقب‌نشینی قزاق‌های روس: هنگام نبرد جنگلی‌ها با قزاق‌های روس، آنها در زمان کوتاهی متواری شدند و از دویست قزاق فقط هفده نفر باقی ماندند که آنها نیز به شرق این منطقه عقب‌نشینی کردند (جنگلی، ۱۳۵۷: ۲۸).

۳. در هجوم بلشویک‌ها به فومنات که به کشته شدن مشهدی اَنام منجر شد، کوچک‌پور و نفراتش آنها را شکست دادند تا جایی که با شتاب هر چه تمام‌تر به پسیخان عقب نشستند (فخرایی، ۱۳۵۴: ۳۰۳).

ب. عقب‌نشینی جنگلی‌ها

برای عقب‌نشینی جنگلی‌ها به پسیخان غربی می‌توان به بعد از شکست جنگ منجیل و کودتای بلشویکی اشاره کرد.

۱. بعد از شکست منجیل (خرداد ۱۲۹۷/ ۱۳۳۶ق/ ۱۹۱۸م) و ایجاد قحطی در رشت، کوچک‌خان دستور داد قبل از ورود روس‌ها و انگلیسی‌ها به رشت، تا حد ممکن برنج، سایر مواد خواربار و پول تهیه کنند و به پسیخان بفرستند که بعد از آن رشت را تخلیه کردند و به غرب پسیخان عقب نشستند (گیلک، ۱۳۷۱: ۱۴۷؛ افشار، ۱۳۸۵: ۳۶). مجاهدان در پسیخان به عنوان واحد پوششی عمل می‌کردند تا جلوی نفوذ نیروهای دولتی به جنگل را بگیرند (دوستدار، ۱۳۸۶: ۳۹).

---

۱ رئیس شهربانی (نظمیه) رشت.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-09]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.4.6]

۲. زمانی که احسان‌الله‌خان دوستدار با همدستی همفکرانش کودتایی علیه کوچک‌خان ترتیب داد، کوچک‌خان برای جلوگیری از درگیری، به غرب پسیخان عقب‌نشینی کرد (لنچافسکی، ۱۳۵۲: ۱۹۴؛ فخرایی، ۱۳۵۴: ۲۶۹). کوچک‌پور در این باره اشاره کرده است که: «میرزا در پسیخان بود. قوا از رشت عقب‌نشینی کرده و در آنجا مستقر شدند» (کوچک‌پور، ۱۳۶۹: ۷۴). کوچک‌خان پس از عقب‌نشینی یعنی از ۱۸ تیر ۱۲۹۹ش/ ۹ ژوئن ۱۹۲۰م. تا زمان مرگ، نتوانست پای بر ساحل شرقی رودخانه پسیخان که مرز قلمرو دو حکومت بلشویکی و جنگلی تعیین شده بود، بگذارد (عظیمی، ۱۳۸۸: ۱۲۷، ۱۹۱).

نقش پسیخان در مذاکرات و جلسات جنگلی‌ها

پسیخان علاوه بر اینکه از نظر جغرافیایی نقشی مؤثر در تحولات سیاسی و نظامی جنبش داشت، در بخشی از حیات سیاسی جنبش نیز به دلیل نزدیکی به رشت به عنوان مرکزی برای مذاکرات و جلسات جنگلی‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفت. این منطقه حتی برای ملاقات و مذاکرات با سران دولتی، انگلیسی‌ها و بلشویک‌ها نیز حائز اهمیت بود.

الف. جلسات داخلی جنبش

۱. یکی از جلسات مجاهدان، برای چاره‌جویی به منظور مقابله با قحطی بود. در این زمان فرماندهان و سران جنگل در پسیخان جمع شدند و راه حلی در کار خویشتن جست‌وجو کردند (گیلک، ۱۳۷۱: ۱۷۲–۱۷۳).

۲. متعاقب ورود حیدر عمواغلی به گیلان در خرداد ۱۳۰۰/ ۱۹۲۱م. کمیته انقلابی جدیدی تشکیل شد و هفته‌ای دو بار در مرز بین جیرده پسیخان و ملاسرا (سه‌راه شفت، باغ چای محمدرضا خان‌رفیع) جلسه می‌گذاشتند (فخرایی، ۱۳۵۴: ۳۲۶). این جلسات در نهایت با واقعه ملاسرا[۱] که به واقعه پسیخان نیز شهرت دارد، در تاریخ شش یا هفت مهر ۱۳۰۰/ ۲۹ سپتامبر ۱۹۲۱ به پایان رسید و مقدمه‌ای برای انحلال نهضت جنگل شد (آلیانی، ۱۳۷۵: ۱۵۴؛ عظیمی، ۱۳۸۸: ۱۶۶).

---

۱ دربارهٔ واقعه ملاسرا، شاکری توضیح و تحلیل مفصلی درباره نقش و تأثیر این حادثه بر فرایندهای سیاسی جنبش آورده است (ن. ک. به: شاکری، ۱۳۸۶: ۵۱۸-۵۲۶). همچنین بشیر سراجی و عبدالرحیم قنوات به واکاوی این واقعه از زوایای گوناگون پرداخته‌اند (سراجی و قنوات، ۱۳۹۸: ۴۱-۷۲).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-09]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.4.6]

ب. ملاقات و مذاکرات با عناصر بیرونی جنگل

ملاقات‌هایی میان سران جنگل با مخالفان، سران حکومتی و بسیاری دیگر در پسیخان صورت گرفت که به نمونه‌هایی از مهم‌ترین آنها پرداخته می‌شود.

۱. ملاقات سران نیروی انگلیس با کوچک‌خان در آتشگاه:[۱] براساس آنچه که منابع اذعان دارند، درخواست ملاقات از طرف انگلیسی‌ها بوده است. بنا بر گفتهٔ درویش: «نامه از کنسول انگلیس مقیم رشت رسید که ژنرال دنسترویل و کلنل استوکس (استکس) می‌خواهند با شما ملاقات کنند، وقت و محل آن را تعیین فرمایید. بالأخره آتشگاه[۲] محل ملاقات تعیین شد» (درویش، ۱۳۸۷: ۹۵؛ کوچک‌پور، ۱۳۶۹: ۱۵، ۱۵۹؛ دنسترویل، ۱۳۵۷: ۲۲۳؛ فخرایی، ۱۳۵۴: ۱۱۷؛ کسمایی، ۱۳۸۲: ۷۵).

براساس سندی[۳] از وزارت خارجه، نیکیتین[۴] کنسول روس در ارومیه، به همراه ماژر استوکس[۵] برای مذاکره با هیئت اتحاد اسلام وارد رشت شدند و در آتشگاه با هم ملاقات کردند (عظیمی، ۱۳۷۷: ۱۰۷). در خاطرات نیکیتن نیز به این ملاقات در آتشگاه اشاره شده است (افشار، ۱۳۸۵: ۲۹۲). مدنی در این ملاقات فقط از کلنل استوکس نام برده است (مدنی، ۱۳۷۷: ۵۳). بنا بر نوشته مدنی، این احتمال تقویت می‌شود که بعضی از مجاهدان جنگل مانند کوچک‌پور و درویش در خاطرات خود نیکیتن را با ژنرال دنسترویل اشتباه گرفته‌اند؛ زیرا اسماعیل جنگلی خواهرزاده کوچک‌خان نیز از کلنل استوکس و نیکیتن

---

۱ علاوه بر ملاقات در آتشگاه، قرار بود ملاقات دیگری صورت بگیرد که لغو شد. انگلیسی‌ها در تاریخ ششم فرودین ۱۲۹۸ با کوچک‌خان و حاج احمدکسمایی مکاتبه‌هایی کردند که در روز شنبه هشت فروردین قبل از ظهر در عمارت صفه‌سر حاضر شوند. در جواب نامه نوشته شد که به واسطهٔ پیشامدی برای کوچک‌خان، در این تاریخ حضور ممکن نیست و اگر ممکن است روز یکشنبه ۹ فرودین در عمارت پسیخان چهار ساعت به غروب مانده که مطابق دو ساعت از ظهر گذشته است، تشریف بیاورید. در نهایت این ملاقات لغو شد و انگلیسی‌ها بدون هیچ دلیلی نقض عهد کردند و ظرف پنج روز اطاعت کامل جنگل را به حکومت وثوق‌الدوله ضرب‌الاجل قرار دادند (گیلک، ۱۳۷۱: ۱۹۳-۱۹۴؛ افشار، ۱۳۸۵: ۲۹۵؛ مدنی، ۱۳۷۷: ۶۲؛ فخرایی، ۱۳۵۴: ۱۴۵-۱۴۶، ۱۶۶؛ جنگلی، ۱۳۵۷: ۱۱۳).

۲ باغ آتشگاه بزرگ و معروف بود. درختان میوه زیادی داشت و دارای عمارت و خیابان‌های متعدد بود و درختان سرسبزی در اطراف آن باغ کاشته شده بودند. فخرایی از مکان این ملاقات به آتشگاه (مدفن امامزاده هارون) یاد کرده است (فخرایی، ۱۳۵۴: ۱۱۷؛ تحقیقات میدانی).

۳ در تاریخ ۲۸ شعبان ۱۳۳۶/ ۱۸ جوزا ۱۲۹۷ش.

۴ Nicelyt Basil، بازیل نیکیتین مدتی منشی کنسولگری روس در رشت (۱۹۱۲) و بعد کنسول روس در ارومیه بود (افشار، ۱۳۸۵: ۲۷۹).

5 Stox

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-09]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.4.6]

یاد کرده است (جنگلی، ۱۳۵۷: ۸۹). احمد کسمایی از آنجا که ملاقات در آتشگاه را با قرارداد صلح در صَفه‌سر اشتباه گرفته، از طرف قشون روس به یک نفر افسر روسی به نام باراتُف و از طرف انگلیسی‌ها به کلنل استوکس اشاره کرده است. وی در جای دیگر از ژنرال ساکس و استوکس نام برده است (کسمایی، ۱۳۸۲: ۸۹، ۹۷).

۲. ملاقات یقیکیان با کوچک‌خان: به گفتهٔ یقیکیان، بنا به خواهش چند نفر از دوستان برای ملاقات با کوچک‌خان به پسیخان رفت. دربارهٔ اوضاع و پیشامدها صحبت کردند و در پایان سؤالاتی از کوچک‌خان دربارهٔ ملاقات با سران روس و انعقاد قرارداد با آنها پرسید (یقیکیان، ۱۳۶۳: ۷۶–۷۸). یقیکیان در جای دیگر از ملاقات دومش در پسیخان با میرزا نوشته است (همان، ۸۱).

۳. ملاقات رئیس پلیس رشت و مأموران عالی‌رتبهٔ دولتی با کوچک‌خان: میرزا بعد از تنظیم موافقت‌نامه با بلشویک‌ها، چند نفر را برای محافظت از پسیخان فرستاد و خودش نیز به آنجا رفت (فخرایی، ۱۳۵۴: ۲۴۵؛ دوستدار، ۱۳۸۶: ۶۳). رئیس پلیس رشت در روز سه‌شنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۲۹۹/ ۱۸ مه ۱۹۲۰ با یک درشکه کرایه‌ای، خود را به پسیخان رساند (شهرستانی، ۱۳۹۱: ۱۲۷–۱۲۸). دیگر مأموران عالی‌مقام دولت نیز از وی کمک می‌خواستند (یقیکیان، ۱۳۶۳: ۸۴).

۴. ملاقات حاکم گیلان با کوچک‌خان: احمدخان اشتری[۱] حکمران گیلان، با عده‌ای از اهالی موجّه که از قبل با آنها مذاکره کرده بود، به پسیخان رفت و در ملاقات با کوچک‌خان از طرف خود و به نمایندگی از طرف عموم اهالی از او دعوت کرد تا به شهر برود و زمام امور گیلان را به دست گیرد (فخرایی، ۱۳۵۴: ۲۴۵؛ دوستدار، ۱۳۸۶: ۶۴؛ عظیمی، ۱۳۸۸: ۶۷). درباره انگیزه احمدخان گفته شده است که وی احساس کرده بود به زودی کوچک‌خان وارد رشت می‌شود و امور را قبضه خواهد کرد؛ به همین دلیل خود پیش‌دستی کرد و کوچک‌خان را دعوت کرد (عربانی، ۱۳۷۴: ۲۰۷/۲). حاکم گیلان هر روز به پسیخان می‌رفت و درباره امنیت گیلان و رشت با کوچک‌خان مذاکره می‌کرد و از او خواهش می‌کرد به رشت برود و امور را اداره کند (یقیکیان، ۱۳۶۳: ۸۴).

---

۱ میرزا احمدخان اشتری معروف به «امور» فرماندار گیلان که مردی شاعر بود و «یکتا» تخلص داشت و بعد از احمد آذری حاکم گیلان شد.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-09]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.4.6]

کوچک‌خان در جواب درخواست حاکم گیلان می‌گفت تا از طرف اهالی دعوت نشوم، از پسیخان حرکت نخواهم کرد (همان، ۴۵۶).

۵. ملاقات ساکنان و اهالی رشت با کوچک‌خان: احمدخان، نمایندگانی از طرف ساکنان رشت به پسیخان نزد کوچک‌خان فرستاد و از او به نام ساکنان درخواست کرد به رشت برود و اداره امور را به دست گیرد (همان، ۹۰). اهالی رشت نیز می‌خواستند کوچک‌خان وارد رشت شود و اداره امور را برعهده گیرد؛ به همین دلیل هر روز هزار نفر از اهالی رشت به پسیخان می‌رفتند. به گونه‌ای که پسیخان امامزاده‌ای برای اهالی شده بود (همان، ۸۴). صد نفر از تجار و کسبه و علمای رشت با درشکه حرکت کردند و در پسیخان به کوچک‌خان پیوستند و در جلوی عمارت آنجا با وی به مذاکره پرداختند (صبوری دیلمی، ۱۳۵۸: ۱۵۰–۱۵۴). فدوی کارگزار رشت نیز در نامه‌ای به وزارت امور خارجه، ملاقات جمعی از محترمان شهر و بعضی از رؤسای ادارات با کوچک‌خان را ثبت کرده است (عظیمی، ۱۳۷۷: ۱۸۵).

۶. سایر ملاقات‌ها: کنسول انگلیس قبل از ترک رشت به پسیخان رفت و با کوچک‌خان ملاقات کرد (گیلک، ۱۳۷۱: ۲۹۱؛ یقیکیان، ۱۳۶۳: ۸۴). اسناد سفارت انگلیس ملاقات کوچک‌خان با خالو قربان (۲۶ خرداد ۱۳۰۰/ ۱۶ ژوئن ۱۹۲۱) در پسیخان را ثبت کرده است (میرزا صالح، ۱۳۶۹: ۲۰). احتمالاً خالو قربان می‌خواست از حمله خودسرانهٔ احسان‌الله‌خان به تهران خبر دهد (پرسیتس، ۱۳۷۹: ۹۲). در ماه‌های آخر نهضت نیز رضاخان که وزیر جنگ بود، برای ملاقات با نمایندگان کوچک‌خان و مذاکره به آتشگاهِ پسیخان رفت (کوچک‌پور، ۱۳۶۹: ۸۳).

ج. اهمیت جغرافیای پسیخان در انعقاد قراردادهای جنگلی‌ها

یکی از وقایعی که در عصر جنبش جنگل پسیخان روی داده بود، انعقاد قراردادهایی میان جنگلی‌ها با مخالفان جنبش بوده است. از جملهٔ آنها می‌توان به قرارداد صفه‌سر و قرارداد متارکهٔ جنگ در روستای آتشگاه اشاره کرد.

۱. قرارداد صَفِه‌سر: پس از مذاکرهٔ انگلیسی‌ها در آتشگاه، آنها که نتیجه‌ای از مذاکره عایدشان نشد، مواضع جنگلی را مورد حمله قرار دادند (گیلک، ۱۳۷۱: ۱۸۶). در نهایت،

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.4.6]

چون از ادامه فشار چیزی به دستشان نیامد و خط عبورشان از قزوین تا انزلی در معرض تهدید قرار داشت، صلاحشان را در صلح و سازش دیدند؛ به همین دلیل قرارداد صلح دوجانبه‌ای بین کمیتهٔ اتحاد اسلام و سران انگلیس منعقد شد (فخرایی، ۱۳۵۴: ۱۵۳). این قرارداد به وساطت مسیو ژول سمپ[1] کنسول فرانسه در رشت و کلنل ماتیوس[2] فرمانده قشون انگلیس و مستر مایر[3] از طرف انگلیسی‌ها و ابوالقاسم فربد و رضا افشار از طرف جنگلی‌ها در ۲۲ مرداد ۱۲۹۷ (۱۲ اوت ۱۹۱۸) در صفه‌سر امضا شد (فخرایی، ۱۳۵۴: ۱۵۳؛ گیلک، ۱۳۷۱: ۱۸۷؛ متولی، ۱۳۷۳: ۴۹). یقیکیان این قرارداد را در آتشگاه دانسته است (یقیکیان، ۱۳۶۳: ۴۷). نوشته‌های نیکیتن گویای این مطلب است که ملاقات آتشگاه و قرارداد صفه‌سر دو واقعهٔ مستقل بوده‌اند و ماجرای بمباران پسیخان دو هفته قبل از قرارداد صفه‌سر رخ داده است (افشار، ۱۳۸۵: ۳۰۵). میر احمد مدنی نیز قرارداد با انگلیسی‌ها را در صفه‌سر بیان کرده است (مدنی، ۱۳۷۷: ۵۷).

۲. قرارداد آتشگاه: این قرارداد، توافقی برای متارکهٔ جنگ بود که بین رضاخان و جنگلی‌ها منعقد شد. در این قرارداد توافق شد ظرف ۴۸ ساعت جنگ متارکه شود. از طرف جنگل علی‌آقاخان و علی دیلمی و از جانب دولت حاجی علی‌خان و دو افسر دیگر، قرارداد متارکه را به نمایندگی در آتشگاه امضا کردند (فخرایی، ۱۳۵۴: ۳۷۷).[4]

اهمیت راهبردی جغرافیای پسیخان در تداوم حیات جنبش

پسیخان در طول حیات جنبش همانند سنگری برای حفاظت از مراکز کلیدی جنگلی‌ها، نظیر گوراب زرمیخ، کسما، فومن و دیگر مناطق تالش‌نشین بود که حامیان جنبش در آن پهنه مستقر بودند. در نتیجه، حفظ منطقهٔ پسیخان برای جنگلی‌ها اهمیت بسیار داشت (کوچک‌پور، ۱۳۶۹: ۴۷). بعد از کودتای بلشویکی در جنبش، قسمت شرقی پسیخان که

1 Jules Sempe
2 Colonel Matthias
3 Master meyer

۴ این قرارداد می‌توانست سرنوشت جنگل را به گونه‌ای دیگر رقم بزند که با جنگ ناخواسته میان شیخلسکی و نعمت آلیانی در ماسوله معادله را برهم زد. وقتی خبر جنگ به سردار سپه رسید، بسیار عصبانی شد و نمایندگان را دستگیر کرد. سوء ظن رضاخان به سبب واقعه ملاسرا و نامهٔ جعلی ساخته شده توسط انگلیسی‌ها با امضای میرزا، مزید بر علت شد تا نهضت جنگل مانند آتشی زیر خاکستر برود (فخرایی، ۱۳۵۴: ۳۷۹، ۳۸۰؛ گیلک، ۱۳۷۱: ۲۰۳).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.4.6]

در قلمرو جناح بلشویک قرارگرفته بود، به دلایل اقتصادی، سیاسی و غیره، اهمیتی به مراتب بیشتر از محدوده‌ای داشت که توسط جنگلی‌ها در قسمت غربی اداره و کنترل می‌شد (عظیمی، ۱۳۸۸: ۹۳، ۱۱۳). با وجود از دست رفتن شرق منطقه، بخش غربی آن در اواخر نهضت به این دلیل مهم بود که واگذاری آن موجب از دست رفتن کل فومنات می‌شد؛ به همین دلیل در محافظت از آن می‌کوشیدند. در این بخش به نمونه‌هایی از محافظت پسیخان اشاره شده است:

۱. حفاظت از پسیخان در زمان خطر هجوم انگلیسی‌ها به جنگل: در این زمان کوچک‌خان دستور داد عده‌ای به پسیخان بروند و مراقب باشند تا انگلیسی‌ها به طرف جنگل حمله نکنند. بدین ترتیب، سلطان داودخان با عده‌ای سوار خود مأمور شد و داوطلبانه به آنجا رفت. پیش‌قراول‌های آنها در احمدگوراب و نخودچر سنگربندی کردند. انگلیسی‌ها روزهای اول با عده‌ای از چمارسرا به طرف جنگل آمدند، ولی به علت شلیک سربازان عقب‌نشینی کردند. کوچک‌خان نیز شبانه با شمار زیادی در حدود پانصد نفر به مرکز پسیخان آمد (کوچک‌پور، ۱۳۶۹: ۱۱).

۲. محافظت از رودخانهٔ پسیخان: حفظ رودخانه به عنوان مانعی طبیعی از اهمیت زیادی برخوردار بود؛ چنان‌که کوچک‌خان در نهم اسفند ۱۲۹۹/ ۲۸ فوریه ۱۹۲۱چند بار با فرستادن نامه به کوچک‌پور مرزبان جنگلی‌ها در پسیخان، تأکید کرد که هیچ کس حق ندارد از رودخانهٔ پسیخان به طرف فومنات عبور کند. در نامهٔ اول آمده است: «از این تاریخ به بعد بلشویک‌ها حق ندارند از آب پسیخان به اینجا بیایند» (کوچک‌پور، ۱۳۶۹: ۱۸۵، جنگلی، ۱۳۵۷: ۳۶). در نامه دوم نیز آمده است: «ابداً هیچ‌کس حق ندارد چه با اسلحه چه بی اسلحه از آب پسیخان به این طرف بیاید» (کوچک‌پور، ۱۳۶۹: ۱۸۴). کوچک‌خان تلاش داشت که رودخانه پسیخان بین جنگلی‌ها و دسته بلشویک‌ها مرزی مطمئن باشد و برای حفظ آن حتی کوچک‌پور را تهدید به عزل از سمتش کرده بود (جنگلی، ۱۳۵۷: ۴۰). کوچک‌خان خطاب به کوچک‌پور نوشته بود: «باید نفرات خودتان را هم سفارش کنید که نگذارند شهری‌ها به این طرف آب بیایند و اگر نمی‌توانید حکم را اجرا کنید اطلاع دهید تا مسئولیت به میرزا نعمت‌الله(آلیانی) واگذار شود» (همان، ۴۰).

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-09]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.4.6]

در تاریخ ۲۸ فروردین ۱۳۰۰/ ۱۹۲۱م. کوچک‌خان نامه‌ای به کوچک‌پور نوشت و در آن تأکید کرد که به چهار نفر اشخاص جدیدالورود اجازه دهید به آن طرف رودخانهٔ پسیخان بروند و در ضمن به آنان و توسط بلشویک‌ها به سایران اخطار دهید مادام که مراودات دو طرف مقطوع است، به هیچ‌وجه از آب عبور نکنند و به این سمت نیایند (عظیمی، ۱۳۸۸: ۱۴۵).

نقش مردم پسیخان در جنبش‌جنگل

علاوه بر ناگفته‌های متعدد دربارهٔ جایگاه جغرافیایی پسیخان در جنبش جنگل، به نقش مردم پسیخان نیز در جنبش اشاره نشده است. براساس شواهد موجود، علاوه بر خبررسانی، شماری از اهالی جزو مجاهدین جنگل بودند و افرادی نیز آذوقهٔ جنگلی‌ها را فراهم می‌کردند. زنان نیز در تهیه خوراک جنگلی‌ها فعالیتی مؤثر داشتند (صبوری دیلمی، ۱۳۵۸: ۳۶).

درباره حضور زنان پسیخان در نهضت جنگل و کمک‌های آنها اطلاعات زیادی به جا نمانده است، اما بدون شک حضور آنها دوشادوش مردان پررنگ بوده است. چنین نقل شده است که وقتی جنگلی‌ها در پسیخان حضور داشتند، زنی که جلوی دو رأس گاو خود راه می‌رفت، گفت اطرافیانم از دیروز شما را مدّ نظر دارند و به من اطلاع دادند که شما از دیروز غذایی نخورده‌اید. این دو گاو را آورده‌ام که پیروز قصاب برایتان سر ببرد و بخورید. زنان پسیخان را بسیج کرده‌ام که برایتان نان درست کنند. از امروز صبح تا به حال مقداری نان درست شده است و بقیه را هم دارند درست می‌کنند. پنج جوان را با من بفرستید تا بیایند و نان‌ها را به اینجا بیاورند و شما بخورید. هر چه پنیر بود جمع کردیم، برایتان می‌فرستم. بخورید تا گرسنگی شما را از پای درنیاورد (شهرستانی، ۱۳۹۱: ۱۲۲).

یکی دیگر از کمک‌های اهالی پسیخان، انتقال اسلحه از منطقهٔ مزبور تا دیگر نقاط فومنات بود. برای نمونه، مرحوم محمدتقی خانزاده جیردهی به نقل از پدرش در این زمینه گفته است: «مرتضی خانزاده، اسماعیل مقدس، صادق مقدس، رستم خجسته از طرف جنگلی‌ها مأموریت یافتند تا سلاح‌هایی را در پسیخان دریافت کنند و در گوراب زرمیخ تحویل مجاهدان جنگل دهند و دست‌نوشته‌ای به عنوان امان‌نامه بگیرند و برگردند. این

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.4.6]

چند نفر در مقصد، سلاح‌ها را تحویل دادند و توانستند کوچک‌خان را ببینند. کوچک‌خان نیز به هر یک از آنها یک جفت چَموش[۱] و لباس داد. در راه برگشت، سربازان جنگل جلوی آنها را گرفتند که با نشان دادن دست‌نوشته(اجازه نامه تردد) به راهشان ادامه دادند تا به پسیخان رسیدند» (خانزاده جیردهی، تاریخ مصاحبه: ۱۳۹۶/۴/۲۹).

یکی از پسیخانیانی که در جرگهٔ مجاهدان جنگل بود، میرزا رضا لطیفی از اهالی کاسان پسیخان بود. وی به دلیل داشتن سواد، صندوق‌دار و از مسئولان مالی جنبش شد. بعد از فرجام کار جنگلی‌ها مدتی مخفی بود و سپس درگذشت (لطیفی،[۲] تاریخ مصاحبه: ۱/۱۶/ ۱۳۹۶).

علی سلیمی فرزند سلیم از اهالی دافسار نیز از مجاهدان جنبش بود. وی از آخرین نیروهای پسیخانی جنبش جنگل به شمار می‌رفت. وی دستگیر و به زندان فومن انتقال داده شد. بعد از هفت روز آقا میرحبیب[۳] (فرزند آقا پیل آقا که به «سید هندی» معروف بود) با اعتباری که داشت، او را آزاد کرد (رهنما، تاریخ مصاحبه: ۹۶/۴/۱۶). از میان اهالی دافسار علاوه بر علی سلیمی، فردی به نام شعبانعلی نیز به همراه تعدادی دیگر از مردم دافسار همراه کوچک‌خان بودند، اما نامهایشان مشخص نیست (همان). به دلایل گوناگون اطلاعات بیشتری از نقش اهالی و حضور آنها در نهضت یافت نشد.

پسیخان و فرجام جنگلی‌ها

در ماه‌های پایانی جنبش جنگل، پس از آنکه آتش دودستگی به سبب دعواهای درون‌گروهی بین هواداران کوچک‌خان و بلشویک‌ها در جنبش زبانه کشید، بسیاری از جنگلی‌ها که بوی مرگ یا پول به مشامشان رسید، ترجیح دادند از جنبش کنار بکشند و به قوای دولتی بپیوندند. یکی از این شخصیت‌ها سید جلال چمنی بود که پیش از رویداد ملاسرا، از کوچک‌خان جدا شد و به رضاخان پیوست و حفاظت از پیرامون احمدگوراب را در پسیخان به دست گرفت و به سرکوب نیروهای جنگل پرداخت (پرتو، ۱۳۹۱: ۳۹۰).

---

۱ نوعی کفش بومیان گیلان که با چرم دباغی نشدهٔ پوست‌گاو تهیه می‌شد.

۲ احمد لطیفی که برادرزاده میرزا رضا است، حضور میرزا و مجاهدان جنگل را در عمارت کاسان پسیخان از دوران کودکی‌اش به خاطر دارد.

۳ آقا میرحبیب بدان سبب که صاحب‌نفوذ بود و با دولت روابطی داشت، توانست علی سلیمی را از زندان فومن آزاد کند.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-09]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.4.6]

در روزهای آخر فعالیت نهضت، وقتی جنگلی‌ها پسیخان را ترک کردند، در ساعت دو بعدازظهر ۲۵ مهر ۱۳۰۰ش. خبر رسید که نیروهای سردار سپه (قزاق‌ها) آنجا را تصرف کرده‌اند (کوپال، [بی‌تا]: ۲۶؛ عظیمی، ۱۳۸۸: ۲۰۰). بعد از این زمان، پرونده نهضت جنگل در پسیخان بسته شد و قوای دولتی و قزاق‌ها از رودخانهٔ پسیخان گذشتند و خود را به جمعه‌بازار رساندند و به آسانی تا اقامتگاه‌های دیگر جنگلی‌ها پیش رفتند (فخرایی، ۱۳۵۴: ۳۸۰؛ عظیمی، ۱۳۸۸: ۲۰۰). در گزارش سفارت انگلیس، تعداد کشته شدگان دولتی در تصرف پسیخان و جمعه‌بازار ۶۸۰ نفر و تلفات جنگلی‌ها نیز همین تعداد برآورد شده است (میرزا صالح، ۱۳۶۹: ۵۶). بدین ترتیب، در ۲۷ مهر ماه تمام شرق گیلان و رشت، شرق و غرب پسیخان تا جمعه‌بازار در دست قوای سردار سپه قرار گرفت (عظیمی، ۱۳۸۸: ۲۰۱). در نتیجه، از دست دادن پسیخان از عوامل مهم شکست نهضت جنگل و تصرف فومنات به دست قوای دولتی شد.

نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌های انجام گرفته از جغرافیای پسیخان و یادداشت‌های سیاسی فعالان جنبش جنگل و همچنین گزارش‌های مأموران داخلی و خارجی، پسیخان به سبب واقع شدن در مسیر رشت به فومنات و موقعیت طبیعی خاص، نقش مؤثری از نظر جغرافیایی و انسانی در تحولات جنبش از طلوع تا فروغ آن داشت. منطقه پسیخان در میانهٔ شاهراه کهن رشت- فومن، پایگاه و سنگر جنگلی‌ها برای مقاومت در برابر انگلیسی‌ها، روس‌های تزاری (روس‌های سفید)، دولت مرکزی و بلشویک‌ها (روس‌های سرخ) بود. این منطقه هرگز مرکز تشکیلات جنگل نبود، اما به سبب آنکه حد و مرز جغرافیایی فومنات و رشت محسوب می‌شد، جزء نقاط راهبردی و استراتژیک جنبش بوده است. منطقه یادشده به سبب برخورداری از رودخانه پسیخان، باغ‌ها و جنگل‌های فراوان، چند عمارت مشهور متعلق به فرادستان گیلان و راه‌های فرعی مخفی و مسیر جاده‌ای مناسب، حائز اهمیت بوده است. بسیاری از ملاقات‌ها، قراردادها و جلسات داخلی و بیرونی تشکیلات جنگل در این منطقه صورت گرفته است. حفظ پسیخان نیز به مثابه ادامه حیات جنبش بود؛ به همین دلیل عقب‌نشینی جنگلی‌ها از پسیخان بعد از کودتای بلشویک‌های ایرانی،

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-09]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.4.6]

سبب شد مهاجمان روس و بلشویک‌ها به راحتی از پسیخان بگذرند و به جمعه‌بازار بروند و بتوانند برنامه‌های خود را عملی سازند. علاوه بر این ماجرا، جنگلی‌ها به سبب عقب‌نشینی از منطقه، در برابر نیروهای دولتی نیز ضربه‌پذیر شدند و مقدمه شکست آنها در سراسر سرزمین‌های فومنات فراهم شد. با توجه به مطالعات و استنتاجات به دست آمده می‌توان گفت پسیخان بدان سبب که دروازهٔ رشت و فومنات بود، از نظر جغرافیایی نقش مؤثری در تحولات سیاسی و نظامی جنبش ایفا کرد؛ همان‌گونه که در ماه‌های پایانی جنبش، پس از تصرف پسیخان توسط قوای دولتی، آنها به راحتی بر فومن دست یافتند. پسیخان دژی طبیعی برای محافظت از دو سوی خود یعنی رشت و فومن بود. از نظر انسانی و اقتصادی نیز نقش اهالی پسیخان در زمینه خبررسانی، تأمین نیروی انسانی، فراهم آوردن سلاح و آذوقهٔ مورد نیاز جنگلی‌ها از اهمیت زیادی برخوردار بود. این نکته در فراز و فرودهای جنبش به وضوح نمایان است.

منابع و مآخذ

- آلیانی، شاهپور (۱۳۷۵)، *نهضت جنگل و معین الرعایا (حسن‌خان آلیانی)*، تهران: میشا.
- آوری، پیتر (۱۳۷۷). *تاریخ معاصر ایران از تأسیس تا انقراض سلسله قاجاریه*. ترجمهٔ محمد رفیعی مهرآبادی. تهران: عطائی.
- افشار، ایرج (۱۳۸۵)، *برگ‌های جنگل (نامه‌های رشت و اسناد نهضت جنگل)*، تهران: فرزان روز، چ۲.
- اوسینکو، لئوآلکسیویچ (۱۳۹۵)، *یادداشت‌های اوسینکو*، ترجمهٔ افشین پرتو، رشت: فرهنگ ایلیا.
- تمیمی طالقانی، محمد (۱۳۸۹)، *داستان جنگل چه بود دکتر حشمت که بود؟*، تصحیح محمد داودی، تهران: رسانش.
- پرسیتس، مویسی (۱۳۷۹)، *بلشویک‌ها و نهضت جنگل*، ترجمهٔ حمید احمدی، تهران: شیرازه.
- پرتو، افشین (۱۳۹۱)، *گیلان و خیزش جنگل*، رشت: فرهنگ ایلیا.
- پناهی، عباس (۱۳۹۵)، *مأخذشناسی تحلیلی جنبش جنگل*، رشت: انتشارات دانشگاه گیلان.
- پندی، کیوان (۱۳۹۴)، *گیلان در آیینه زمان*، رشت: طاعتی.
- ..... (۱۳۸۷)، *رشت در آیینه تاریخ*، رشت: کتیبه گیل.
- جنگلی، اسماعیل (۱۳۵۷)، *قیام جنگل*، تهران: انتشارات جاویدان.
- خودزکو، آلکساندر (۱۳۵۴)، *سرزمین گیلان*، ترجمهٔ سیروس سهامی، تهران: پیام.
- درویش، سعدالله (۱۳۸۷)، *خاطرات سعدالله درویش*، به کوشش جهانگیر درویش، تهران: مؤسسهٔ

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-09]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.4.6]

مطالعات تاریخ معاصر ایران.
- دوستدار، احسان‌الله (بهار ۱۳۸۶)، «خاطرات احسان‌الله‌خان دوستدار»، مقدمه و تعلیق عبدالله متولی، *فصلنامه مطالعات تاریخی*، ش۱۶، صص۱۱-۸۱.
- دنسترویل، ماژور (۱۳۵۷)، *امپریالیزم انگلیس در ایران و قفقاز*، ترجمه حسین انصاری، تهران: منوچهری.
- رابینو، ه. ل. (۱۳۵۷)، *ولایات دارالمرز ایران گیلان*، ترجمهٔ جعفر خمامی‌زاده، رشت: بنیاد فرهنگ ایران.
- رواسانی، شاپور (۱۳۸۴)، *اولین جمهوری شورائی ایران*، تهران: چاپخش، چ۳.
- *روزنامه ایران* (شعبان ۱۳۳۵)، «مجاهدان جنگل»، ش ۸۲، ص۲.
- *سالنامه آماری کشور ۱۳۷۵* (۱۳۷۶)، مرکز آمار ایران، تهران.
- سراجی، بشیر (۱۳۹۳)، «بازنگری تاریخی عوامل اختلافات فکری و عملی احسان‌الله‌خان و میرزا کوچک»، *مجموعه مقالات همایش ملی جنبش جنگل*، به کوشش عباس پناهی، گیلان: دانشگاه گیلان، صص۴۲۱-۴۵۲.
- سراجی، بشیر و عبدالرحیم قنوات (پاییز ۱۳۹۸)، «واکاوی گزارش‌های واقعهٔ ملاسرا و قتل حیدر عمواوغلی در نهضت جنگل؛ با تکیه بر روش محورهای معنادهی استنفورد»، *مطالعات تاریخی جنگ*، ش۳ (پیاپی ۹)، صص۴۱-۷۲.
- سرتیپ‌پور، جهانگیر (۱۳۷۰)، *نامها و نامدارهای گیلان*، رشت: گیلکان.
- شاکری، خسرو (۱۳۸۶)، *میلاد زخم*، ترجمهٔ شهریار خواجیان، تهران: اختر.
- شهرستانی، نعمت‌الله (۱۳۹۱)، *گائوک (افسر آلمانی در ارتش نهضت جنگل)*، گیلان: دانشگاه گیلان.
- صبوری دیلمی، محمدحسین (۱۳۵۸)، *نگاهی از درون به انقلاب مسلحانه جنگل*، تهران: [بی‌نا].
- *طرح هادی روستای خشت مسجد (دهستان بیسیخان)* (۱۳۷۵).
- عبدالهی، فرشته (۱۳۹۴)، *جایگاه و نقش گیلان در سیاست و اقتصاد عصر صفوی*، تهران: آوای کلار، چ۲.
- عربانی، اصلاح (۱۳۷۴)، *کتاب گیلان*، ج۲، رشت: گروه پژوهشگران ایران.
- عظیمی، رقیه‌سادات (۱۳۷۷)، *نهضت جنگل به روایت اسناد وزارت امور خارجه*، تهران: اداره انتشار اسناد.
- عظیمی، ناصر (۱۳۸۸)، *جغرافیایی سیاسی جنبش و انقلاب جنگل*، مشهد: نیکا.
- ..... (۱۳۹۵)، *تاریخ گیلان*، رشت: فرهنگ ایلیا.
- فاخته، قربان (۱۳۸۳)، *کرونولوژی تاریخ گیلان*، رشت: گیلکان.
- فخرایی، ابراهیم (۱۳۵۴)، *سردار جنگل*، [بی‌جا]: جاویدان، چ۵.
- کاشانی، ابوالقاسم عبدالله (۱۳۴۸)، *تاریخ الجایتو*، به اهتمام مهین همبلی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- کریمیان، علی (زمستان ۱۳۷۲)، «نخستین درگیری جنگلی‌ها به روایت اسناد»، *گنجینه اسناد*، ش۱۲، صص۵۹-۷۰.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-09]
[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.4.6]

- کسمایی، احمد (۱۳۸۲)، *یادداشت‌های احمد کسمایی از نهضت جنگل*، گردآوری، تصحیح و تحشیه منوچهر هدایتی خوشکلام، رشت: کتیبه گیل.
- کشاورز، فتح‌الله (۱۳۹۱)، *نهضت جنگل و اتحاد اسلام (اسناد محرمانه و گزارش‌ها)*، تهران: سازمان اسناد ملی و انجمن آثار و مفاخر فرهنگی کشور.
- کوپال (سالار نظام) [بی‌تا]، «چگونه انقلاب گیلان خاموش شد؟»، *مجله خواندنی‌ها*، س ۱۰، ش ۷۰، صص ۲۳-۲۶.
- کوچک‌پور، صادق (۱۳۶۹)، *نهضت جنگل و اوضاع فرهنگی- اجتماعی گیلان و قزوین*، به کوشش سید محمدتقی ابوالقاسمی، رشت: نشر گیلکان.
- گیلک (خمامی)، محمدعلی (۱۳۷۱)، *تاریخ انقلاب جنگل*، رشت: نشر گیلکان.
- لنچافسکی، ژرژ (۱۳۵۲)، *غرب و شوروی در ایران، سی سال رقابت ۱۹۱۸-۱۹۴۸م*، ترجمهٔ حورا یاوری، تهران: ابن‌سینا.
- متولی، عبدالله (۱۳۷۳)، *بررسی تطبیقی دو نهضت جنگل و خیابانی*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- مدنی، میر احمد (۱۳۷۷)، *جنبش جنگل و میرزا کوچک‌خان*، به کوشش سید محمدتقی میرابوالقاسمی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- مرعشی، ظهیرالدین (۱۳۶۴)، *تاریخ گیلان و دیلمستان*، تصحیح و تحشیه منوچهرستوده، تهران: اطلاعات.
- مهدوی لاهیجانی، محمد [بی‌تا]، *جغرافیای گیلان*، نجف اشرف: المطبعة النعمان.
- مهرداد، سید جعفر (۱۳۸۲)، *مدخلی بر بازشناسی نهضت جنگل*، تهران: بنیاد اندیشه اسلامی.
- موسوی، سید صفا [بی‌تا]، *آئین باستان و تاریخ گیلان*، [بی‌جا]: [بی‌نا].
- میرابوالقاسمی، سید محمدتقی (۱۳۷۷)، *گیلان از انقلاب مشروطیت تا زمان ما*، رشت: ره‌آورد گیل.
- میرزا صالح، غلامحسین (۱۳۶۹)، *جنبش میرزا کوچک‌خان برابر گزارش‌های سفارت انگلیس*، تهران: تاریخ ایران.
- یقیکیان، گریکور (۱۳۶۳)، *شوروی و جنبش جنگل*، به کوشش برزویه دهگان، تهران: انتشارات نوین.

مصاحبه ها

- اسلامی، محمد، متولد ۱۳۱۲ش، فرزند غلام (متولد حدود ۱۲۷۰ش) (تاریخ مصاحبه: ۱۳۹۶ /۱/۱۵). موضوع مصاحبه: *تاریخچه نهضت جنگل به نقل از غلام اسلامی سلمانی جنگلی‌ها*.
- بیجاری، منوچهر، متولد ۱۳۳۵ش، فرزند میرزا گل، فرزند علی‌اصغر (تاریخ مصاحبه: ۱۳۹۶/۵/۱). موضوع مصاحبه: *تاریخچه نوده پسیخان به نقل از علی‌اصغر بیجاری*.
- خانزاده جبردهی، محمدتقی، متولد ۱۳۱۵ش، فرزند مرتضی (تاریخ مصاحبه: ۱۳۹۶/۴/۲۹). موضوع مصاحبه: *تاریخچه پسیخان*.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-09]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.4.6]

- رهنما، سیده فاطمه، متولد ۱۳۲۰ش، فرزند سید عباس (تاریخ مصاحبه: ۱۳۹۶/۴/۱۶). موضوع مصاحبه: *نهضت جنگل در دافسار به نقل از علی سلیمی*.
- لطیفی، احمد، متولد ۱۲۹۴ش (تاریخ مصاحبه: ۱/۱۹/ ۱۳۹۶). موضوع مصاحبه: *خاطراتی از پسیخان در دوره نهضت جنگل*.

[Downloaded from journal.pte.ac.ir on 2026-10-09]

[DOR: 20.1001.1.22286713.1399.12.46.4.6]